



ارزیابی انحصار دعوت انبیا در توحید الوهی: بررسی دیدگاه محمد بن عبدالوهاب

علی حاجی شمسایی*

محسن افضل آبادی**

چکیده

دعوت انبیای الهی و موضوع سخنان ایشان از مسائل مهم در دین اسلام است که از دیرباز محل گفت‌وگوی بزرگان مذاهب اسلامی بوده است. محمد بن عبدالوهاب با تأکید بر مسئله توحید عبادی موضوع دعوت انبیا را در توحید الوهی منحصر کرده است. وی با تمسک به برخی آیات، از جمله آیه ۳۶ سوره نحل، مشکل اصلی امت انبیا را صرفاً عبادت غیر الله می‌داند و هدف از فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی را از بین بردن شرک برمی‌شمرد. بر همین اساس، ملاک موحد یا مشرک بودن را دایرمدار توحید در عبادت می‌داند و با نگاهی ضدقرآنی و تشریح من دون الله، مسلمان را مشرک می‌شمرد و مشرکان عصر انبیا را موحد در توحید ربوبی می‌داند. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی این دیدگاه را بررسی و نقد می‌کند و نشان می‌دهد این باور مخالف آیات قرآن و ضد سنت نبوی و سخن متفکران اسلامی است که در آن‌ها اقسام گوناگون توحید در دعوت انبیا، از جمله دعوت به توحید ذاتی، دعوت به توحید ربوبی، دعوت به ربوبیت تشریحی خدای متعال، دعوت به تشکیل نظم و عدالت اجتماعی، برای انبیا ثابت شده است. همچنین، مشرکان عصر پیامبران برای بت‌ها تصرفات ربوبی قائل بودند و افزون بر شرک الوهی، شرک ربوبی و شرک ذاتی هم داشتند. لذا دعوت توحیدی انبیا نه فقط برای نفی الوهیت غیر الله

* دانش‌پژوه سطح چهار، رشته کلام تطبیقی بین‌المذاهب، مؤسسه آموزش عالی حوزوی انمه اطهار^ع، مشهد، ایران.

ali.shmsa13yi79@gmail.com

** استاد حوزه و دانشگاه.

afzal1442@gmail.com

نبوده، بلکه برای نفی شتون الوهی و ربوبی از غیر الله هم بوده است.
کلیدواژه‌ها: عبادت، توحید الوهی، پیامبران الهی، توحید ربوبی، توحید ذاتی.

مقدمه

نبوت از اساسی‌ترین ارکان ادیان الهی، به‌ویژه دین اسلام، است که پس از توحید از جایگاه ویژه و نقش تعیین‌کننده‌ای در اندیشه و نظام فکری دین اسلام برخوردار است. از این‌رو متفکران جهان اسلام بعثت پیامبران را مسلّم و اجتناب‌ناپذیر دانسته‌اند و آن را برای رسیدن بشر به سعادت ضروری تلقی می‌کنند. بر همین اساس، مباحث متعدد و فراوانی درباره فلسفه بعثت انبیا و موضوع سخنان ایشان مطرح کرده‌اند.

محمد بن عبدالوهاب از جمله افرادی است که به این موضوع پرداخته است. او با اهمیت‌بخشی به مسئله عبادت خدای متعال و الوهیت ایشان معتقد است تنها مشکلی که امت انبیا با آن مواجه بوده‌اند شرک عبادی و عبادت‌کردن غیر الله بوده است. بر همین اساس، موضوع دعوت انبیای الهی را صرفاً در توحید عبادی منحصر کرده و فلسفه وجود پیامبران را فقط دعوت به توحید الوهی دانسته است و با تأکید بر این مسئله، ملاک موحد یا مشرک بودن را دایرمدار این نوع توحید می‌داند. از پیامدهای نپرداختن به این مسئله می‌توان غفلت از اهداف حقیقی ارسال پیامبران و فهم نادرست از ضابطه توحید و شرک را برشمرد؛ چراکه محمد بن عبدالوهاب با استفاده از این دیدگاه، بسیاری از مسلمانان را همانند مشرکان، مشرک در الوهیت می‌داند و جنگیدن با آن‌ها را لازم می‌شمرد (ابن عبدالوهاب، ۱۴۱۸: ۱۷)؛ بلکه شرک مسلمانان را بدتر و شدیدتر از شرک مشرکان می‌داند و آن‌ها را مشرک در الوهیت و ربوبیت می‌داند (همان: ۳۳).

اینک پرسش این است که: پیام‌آوران آسمانی به سوی چه هدف یا اهدافی مردم را دعوت می‌کردند؟ غرض از ارسال انبیا و انزال کتب صرفاً دعوت به توحید در پرستش است یا پیامبران الهی برای انتشار و دعوت امت‌هایشان به امور بیشتری همچون توحید ذاتی، افعالی، الوهی، اسماء و صفات، و ربوبی فرستاده شده‌اند؟ این پرسش‌ها متفکران مسلمان را بر آن داشته است که مسئله دعوت انبیا را تحلیل و بررسی کنند و برای نوع دعوت آن‌ها دلایل محکم و خدشه‌ناپذیری پیش نهند. این نوشتار با بهره‌گیری از روش

تحلیلی توصیفی در صدد تعیین دیدگاه محمد بن عبدالوهاب درباره حصر دعوت انبیا در توحید الوهی به همراه سنجش این دیدگاه با آیات و روایات و همچنین سخن عالمان جهان اسلام است.

پیش‌تر، درباره انحصارگرایی دعوت توحیدی انبیا در الوهیت خدای متعال از منظر محمد بن عبدالوهاب، اثر مستقلی نوشته نشده است، اما نزدیک‌ترین اثر به این موضوع، مقاله «بررسی تطبیقی دیدگاه ابن عبدالوهاب با مذاهب اسلامی در تحلیل شرک مشرکان عصر پیامبر ﷺ» (ملکی نهاوندی و دیگران، ۱۳۹۷) است که در آن پس از بررسی شرک مشرکان، دیدگاه ابن عبدالوهاب درباره شرک مشرکان با مذاهب اسلامی مقایسه شده و به مسئله توحید، به طور خاص، پرداخته است. همچنین کتاب توحید عبادی از دیدگاه شیعه و وهابیت (نکویی سامانی، ۱۳۹۳) در چند بند این موضوع را از نگاه وهابیت بررسی کرده است. پژوهش پیش رو در صدد است با تحلیل و بررسی نظریه محمد بن عبدالوهاب در اختصاص دعوت انبیا به توحید الوهی روشن کند که توحید الوهی تنها محور دعوت انبیای الهی نبوده، و مباحث و مسائل مهمی همچون توحید ذاتی، توحید ربوبی، برپایی نظم و عدالت اجتماعی هم محل توجه انبیا بوده و بشر را به آن دعوت کرده‌اند.

۱. مفهوم «توحید الوهی»

تعبیر «توحید الوهی» از دو کلمه ترکیب شده است. «توحید» مصدر باب تفعیل از ماده «وحد، یوحد» و به معنای یکسان‌کردن است (فراهیدی، بی‌تا: ۲۸۰/۳؛ زیات و دیگران، ۱۳۸۰: ذیل ماده «وحد»). واژه «اله» نیز در لغت از ریشه «أَلِهَ يَأْلُهُ أُلُوهَةً» به معنای معبود است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۶۷/۱۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱). برخی آن را به پرستش معنا کرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۲۷/۱) و برخی علاوه بر پرستش، شأنیت پرستش و شایستگی عبادت را هم در آن لحاظ کرده و گفته‌اند «اله» به معنای کسی است که مستحق عبادت کردن است. از این رو عده‌ای آن را به معنای «الله» دانسته‌اند (همان؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۶۷/۱۳). همچنین، لفظ «اله» بر کسی که ربّ باشد نیز اطلاق می‌شود (ازهری، ۲۰۰۱: ۲۲۳/۶). البته برخی واژه «اله» را از ماده «ول ه» به معنای تحیر آورده‌اند و تحیر

عبد از عظمت معبود و صفات ربوبی او را اراده کرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۴۶۷/۱۳؛ زبیدی، بی‌تا: ۳۲۲/۳۶). بنابراین، در صورت ترکیب‌شدن واژه «توحید» و «اله»، «توحید الوهی» به معنای «یکی را مستحق پرستش دانستن» است.

اما در اصطلاح «اله» به موجودی اطلاق می‌شود که استحقاق عبادت دارد (طبری، ۱۴۲۰: ۵۳۷/۱۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲۰؛ علم‌الهدی، ۱۴۰۵: ۲/۲۶۳) و نمی‌تواند به معنای معبود باشد، زیرا اگر چنین باشد جمله «لا اله الا الله» کاذب خواهد بود؛ چراکه در عالم خارج معبودهای فراوانی به غیر از خدای متعال بوده‌اند. بر این اساس، معنای جمله «لا اله الا الله» یعنی پرستیدنی‌ای جز الله نیست. از این‌رو توحید در الوهیت ناظر به اعتقاد و اندیشه انسان است و بدین معنا است که جز ذات پاک و مقدس خدای متعال، هیچ موجودی لیاقت و شایستگی مقام الوهیت و معبودبودن را ندارد و فقط خداست که معبود حقیقی و اله واقعی محسوب می‌شود و نقطه مقابلش شرک در الوهیت است که به معنای اعتقاد به استحقاق عبادت برای غیرخدای متعال است (خمینی، ۱۳۶۳: ۲۹).

اما محمد بن عبدالوهاب «اله» را به معنای معبود می‌داند (ابن‌عبدالوهاب، ۱۴۱۲: ۱۶) و با تقسیم توحید به سه دسته توحید ربوبی، توحید الوهی و توحید اسماء و صفات (همو، بی‌تا الف: ۳۹؛ همو، ۱۴۲۷: ۸) در تبیین توحید الوهی آن را به «إخلاص العبادة لله وحده من جميع الخلق» تعریف می‌کند (همان: ۸) و در برخی مواقع با تعابیری همچون «توحید العبادة» (همان: ۱۳) یا «توحید الالهية» (همو، ۱۴۱۲: ۳) و ... از آن یاد می‌کند. البته یکسان‌پنداری توحید الوهی و توحید عبادی از جمله خلط‌هایی است که وی کرده است؛ زیرا توحید الوهی ناظر به عقیده و باور و اصطلاحاً توحید نظری است، ولی توحید عبادی، توحید عملی است (رعیتی، ۱۳۸۶: ۷۸).

۲. دیدگاه محمد بن عبدالوهاب درباره انحصار دعوت پیامبران الهی در توحید الوهی

توحید را می‌توان موضوع محوری سخنان محمد بن عبدالوهاب برشمرد، به گونه‌ای که در نگاه او توحید همان دین الله و اسلام است (ابن‌عبدالوهاب، بی‌تا: ۱۵۵). در واقع، تعریف او از «توحید» است که شاکله دیدگاهش را بیان می‌کند. وی با اهمیت ویژه‌ای

که برای توحید الوهی قائل است توحید را به «توحید در عبادت» تفسیر می‌کند (همو، بی‌تاب: ۱۶۸). همچنین، با تقسیم توحید به الوهی، ربوبی و اسماء و صفات معتقد است کافران و مشرکان توحید ربوبی را پذیرفته بودند و به این نوع توحید اقرار کرده‌اند. سپس با تأکید بر مقدم بودن توحید «اسماء و صفات» بر «توحید ربوبی» آن را برای کافران ثابت می‌کند و کافران را عاقل‌تر از آن می‌داند که انکار کنند^۴ (همو، ۱۴۱۸: ۸). بنابراین، کسانی که پیامبر با آنان قتال کرد شهادت می‌دادند که خدای متعال خالق و رازق است، و کسی غیر از او نفع و ضرری ندارد. همچنین، معترف بودند که بت‌ها چیزی را تدبیر نمی‌کنند، اما مشکل اساسی‌شان طلب شفاعت از بت‌ها نزد خدا بود و این سبب قتال پیامبر با آن‌ها شد (همان: ۱۷). بر این اساس، محمد بن عبدالوهاب مشکل اساسی امت‌های انبیا را فقط شرک الوهی می‌داند و معتقد است موضوع سخن انبیا دعوت به توحید الوهی بوده است (همان: ۱۴). وی می‌نویسد:

توحید آن است که فقط خدا پرستش شود و این آیین پیامبرانی است که خداوند متعال برای هدایت بندگانش فرستاده است. اولین آن‌ها نوح است؛ چون قوم او صالحان خود مانند وِدّ، سواع، یعوق، نسر را می‌پرستیدند، خداوند ایشان را فرستاد تا به مبارزه با ایشان برخیزد. و آخرین پیامبران حضرت رسول را برای دعوت مردم به عبادت خداوند برانگیخت تا تمثال صالحان را در هم شکنند (همو، ۱۴۱۸: ۳).

بنابراین، از نگاه وی وظیفه انبیا صرفاً دعوت به توحید الوهی و بازداشتن از شرک الوهی بوده است؛ زیرا «توحید الوهی» باعث جدایی مسلم از کافر می‌شود (همو، ۱۴۱۲: ۳۷). وی برای اثبات مدعایش راجع به انحصار دعوت انبیا در توحید الوهی به آیات گوناگون قرآن تمسک کرده است (همو، بی‌تاب الف: ۴۱).

بررسی و نقد دلایل

آیاتی که محمد بن عبدالوهاب برای انحصار دعوت انبیا در توحید الوهی به آن استناد کرده چهار دسته است:

۱. آیاتی (نحل: ۳۶؛ انبیاء: ۲۵؛ زخرف: ۴۵؛ نمل: ۴۵) که در آن‌ها توحید الوهی را در دعوت انبیای الهی ذکر کرده است (ابن عبدالوهاب، بی‌تاب الف: ۳۹؛ همو، بی‌تاب: ۱۹۵). وی آیاتی همچون «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) را

بیان می‌کند و می‌نویسد: «بدان! خدای سبحان انبیای الهی و کتب آسمانی را فقط برای یک چیز فرستاده است و آن توحید خدای متعال در عبادت است» (ابن عبدالوهاب، بی‌تا: ۱۴۵).

۲. آیاتی که به عبادت خدای متعال پرداخته و بر آن تأکید کرده و مردم را به آن خوانده است (همو، بی‌تا: ۱۰/۸). او آیاتی همچون «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن: ۱۸)، «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۱۶۲)، «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» (حج: ۶۲) را مطرح کرده و نزاع اصلی امت‌های انبیا را توحید الوهی می‌داند. بر این اساس، دعوت انبیا را در توحید الوهی منحصر کرده و دین ارائه‌شده از سوی ایشان را فقط توحید الوهی می‌داند (ابن عبدالوهاب، ۱۴۱۲: ۴؛ همو، ۱۴۱۸: ۶؛ همو، بی‌تا الف: ۴۱).

بررسی و نقد: از دو دسته آیات فوق به خوبی استفاده می‌شود که توحید در عبادت خدای متعال یکی از دعوت‌های انبیای الهی بوده است. اما باید توجه داشت که توحید در عبادت لازمه توحید ذات، صفات و ربوبی است، زیرا وقتی مسلم شد که فقط خدای متعال واجب‌الوجود و مدبر عالم است و هر چه غیر از اوست محتاج و ناتوان‌اند، راهی جز اختصاص عبادت به او نخواهد داشت (نابلسی، ۲۰۱۷: ۱۴۱؛ حبیبی، ۱۳۹۰: ۱۳۶). طبری در تبیین هدف عبادت می‌گوید: «آنچه را عابد عبادت می‌کند فقط به این سبب می‌پرستد که از او (معبود) نفعی به دست آورد یا ضرری را دفع کند»^۵ (طبری، ۱۴۲۰: ۳۱۹/۱۳)؛ بنابراین، مشرکان صدر اسلام هم به دلیل شرک در توحید ربوبی گرفتار شرک در عبادت شدند؛ چراکه محال است کسی در «توحید ربوبی» موحد، ولی در «توحید عبادی» مشرک باشد (فوده، ۱۴۳۵: ۱۱۷؛ سقاف، ۱۴۲۸: ۱۰۱). از این‌رو یکی از اهداف دعوت انبیا توحید در عبادت است. به‌علاوه، باید توجه داشت که در دسته دیگری از آیات و همچنین روایات نبوی، هدف از فرستادن انبیا مسئله دیگری مطرح شده است. آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) با تأکید بر نقش انبیا در ظلم‌ستیزی و ایجاد عدالت اجتماعی یکی از اهداف بعثت آن‌ها را برپایی عدالت دانسته است (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۷؛ قراملکی، ۱۳۷۹: ۳۶). همچنین، روایت «إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق»، هدف بعثت رسول‌الله ﷺ را تکمیل اخلاق نیکو

می‌داند (ابن حنبل شیبانی، ۱۴۲۱: ۵۱۳/۱۴؛ مالک بن انس، ۱۴۲۵: ۱۳۳/۵). بنابراین، اهداف و رسالت‌های مختلفی برای انبیا وجود داشته و باید مردم را به آن دعوت می‌کرده‌اند.

۳. آیاتی که هدف از خلقت را عبادت دانسته، مانند آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) دسته دیگری از آیاتی است که محمد بن عبدالوهاب به آن‌ها استناد کرده است (ابن عبدالوهاب، ۱۴۲۷: ۳-۴؛ همان: ۱۵؛ همو، ۱۴۱۲: ۱۶).

بررسی و نقد: گرچه بر اساس ظاهر این آیه، قرآن کریم در تبیین رابطه عبد و عبادت، عبادت را هدف آفرینش او می‌داند، اما این هدفی متوسط است نه نهایی؛ زیرا هدف برتری که عبادت نسبت به آن وسیله محسوب می‌شود رسیدن به یقین است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر: ۹۹). بر همین اساس، برخی این «عبادت» را به «معرفت» تفسیر کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۹: ۶۱۱/۲) و می‌توان مراد از «معرفت» را «توحید عبادی» دانست، زیرا توحید عبادی یک جنبه اعتقادی دارد که اعتقاد به انحصار پرستش برای خدای متعال بوده و هیچ شریکی از این جهت ندارد (عابدی، ۱۳۹۱: ۸۰؛ رعیتی، ۱۳۸۶: ۷۸).

۴. آن دسته از آیاتی که به فطری بودن توحید ربوبی اشاره دارد. وی برای اثبات توحید ربوبی به آیاتی استدلال کرده است که اقرار مشرکان به ربوبیت، خالقیت و رازقیت خدا را در بر دارد (ابن عبدالوهاب، ۱۴۱۸: ۱۲)، مانند آیه «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (یونس: ۳۱). وی با تقسیم توحید به الوهی، ربوبی و اسماء و صفات معتقد است توحید ربوبی را تمام مشرکان اعصار گذشته پذیرفته بودند و آن‌ها به این نوع توحید اقرار کرده‌اند، اما در توحید عبادی گرفتار شرک شده‌اند. او در این باره می‌نویسد: «مشرکان شهادت می‌داده‌اند که فقط خدای متعال است که خالق، رازق، محیی، ممیت و مدبر است و تمام آسمان‌ها و زمین‌ها تحت تصرف او و تمام موجودات در اختیار اوست» (ابن عبدالوهاب، ۱۴۱۸: ۸). بنابراین، دعوت انبیا فقط به توحید الوهی بوده است (همو، ۱۴۱۲: ۵).

بررسی و نقد: باور به توحید ربوبی مشرکان از جمله اشتباهاتی است که محمد بن عبدالوهاب مرتکب شده است، زیرا: ۱. شرک مشرکان در ربوبیت تکوینی و تشریحی در

آیات متعدد قرآن بیان شده است؛ ۲. مفسرانی همچون طبری، قرطبی و بغوی این آیات را فقط در شأن مشرکان عرب به سبب اعتراف به خالقیت دانسته‌اند (طبری، ۱۴۲۰: ۳۷۵/۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳۷۲/۳؛ قرطبی، ۱۴۲۳: ۱۴۵/۱۲)؛ ۳. اقرار مشرکان به ربوبیت خدا بوده، اما به توحید ربوبی خدا معتقد نبوده‌اند و برای غیرخدا به تدبیر در عالم معتقد بودند (ابن‌کثیر، ۱۴۲۰: ۴۳۷/۷)؛ ۴. در حقیقت، این آیات بر توحید ربوبی مشرکان دلالتی ندارد و پذیرش این صفات به تصریح مفسران مشروط به رجوع به عقل، فطرت و وجدانشان خواهد بود، به این معنا که این اعتراف صرفاً انعکاس فطرت آن‌هاست. البته برخی دیگر، اعتراف مشرکان را پاسخ فرضی و پس از تفکر و انصاف دادن دانسته‌اند (شوکانی، ۱۴۱۴: ۵۰۴/۲). گروه دیگری از مفسران معتقدند پاسخ‌های مشرکان جواب فعلی آن‌ها به این صفات نیست، بلکه در آینده به این صفات اعتراف خواهند کرد (همان؛ الزیر، ۱۴۴۴: ۲۴) و دلیل این ادعا بسیاری از این آیات است که پاسخ مشرکان در قالب ادات استقبال و با «سِقُولُونَ اللّٰه» آمده است. علاوه بر این، برخی آیات قرآن اقرار و اعتراف مشرکان را دروغ دانسته است (عنکبوت: ۶۱).

۳. اشکالات دیدگاه محمد بن عبدالوهاب

مهم‌ترین اشکالات دیدگاه وی عبارت است از:

۳.۱. آیات دعوت انبیا به توحید ربوبی

آیات قرآن کریم حاکی از آن است که هرچند بت‌پرستان و مشرکان در ظاهر به خالقیت خدا باور داشته‌اند، اما در مرحله ربوبیت و تدبیر عالم گرفتار شرک بوده‌اند و تدبیر عالم یا بخشی از آن را در اختیار بت‌ها می‌دانسته‌اند. یکی از مهم‌ترین وظایف انبیا دعوت به ربوبیت خدا بوده که در دو دسته می‌گنجد:

الف. دعوت به ربوبیت تکوینی

«ربوبیت تکوینی» یعنی فقط خدای متعال مالک و متصرف و مدبر امور هستی است و تمامی امور عالم به مشیت و اراده اوست (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۳۸۹/۲؛ طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۰۹۱/۴). بر این اساس، فقط خداست که می‌تواند مستقل و بدون نیاز به هیچ‌گونه اذن و اجازه‌ای در تمام جهان تصرف، و آن‌ها را تدبیر و اداره کند. در آیات متعددی از قرآن

کریم، انبیای الهی مردم را به این نوع از توحید دعوت کرده‌اند، چراکه مشرکان برای بت‌هایشان تدبیر و ربوبیت معتقد بودند (البته نه برای بت‌های سنگی و چوبی، بلکه برای خدایان حقیقی که بت‌ها نشانه و شکل‌هایی از آن‌هاست). قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرُّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ» (حدید: ۸) و ایمان به ربوبیت خدا را موضوع دعوت انبیا دانسته است. همچنین، بت‌پرستان معتقد بودند عزت و ذلت در دست بت‌هاست. از این‌رو آن‌ها را عبادت می‌کردند: «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا» (مریم: ۸۱). آنگاه انبیا در رد این باور می‌فرمودند: «وَلَا يَخْزِيكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (یونس: ۶۵). همچنین، در آیه دیگری باور به یاری بت‌ها را جزء اعتقادات بت‌پرستان می‌داند: «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ» (یونس: ۷۴). اما قرآن در نادرستی این باور می‌فرماید: «وَمَا التَّصَرُّفُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل عمران: ۱۲۶). همچنین، در قرآن تصریح شده است که حضرت ابراهیم علیه السلام به توحید ربوبی دعوت کرده است.^۶ آن‌ها برای اثبات، وجود ربی به نام الله را باور نداشته‌اند (ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۶۸۶/۱). همچنین، خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «قُلْ أَعْتَبِرُوا لِلَّهِ أَنْبِيَاءَ لِيَأْتِيَنَّكُمْ حُكْمُهُمْ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (انعام: ۱۶۴). از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که مشرکان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درخواست کرده‌اند بت‌های آن‌ها را رب قرار دهد و پیامبر در پاسخشان می‌فرماید: «آیا رب حقیقی را رها کنم و غیر الله را رب قرار دهم؟» این در صورتی است که مشرکان به ربوبیت بت‌ها معتقد باشند (طبری، ۱۴۲۰: ۲۸۵/۱۲؛ نابلسی، ۲۰۱۷: ۱۰۶).

آیه دیگر دال بر شرک ربوبی مشرکان، آیه‌ای است که حضرت یوسف علیه السلام در مقام دعوت دو زندانی همراش می‌فرماید: «ای دو یار زندانی من! آیا رب‌های متعدّد و گوناگون بهتر است یا خداوند یکتای مقتدر؟» (یوسف: ۳۹). پیداست که شرک آن‌ها در ربوبیت بوده است، چراکه آن‌ها به رب‌ها و صاحب‌اختیاران متعدّد معتقد بوده‌اند (سقاف، ۱۴۱۳: ۴۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۶۲). همچنین، از مفاد آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» (بقره: ۱۶۵) به خوبی استفاده می‌شود که مشرکان برای خدای متعال هم‌تایانی قائل بودند و معتقد بودند بت‌ها هم می‌توانند کارهایی همانند کارهای خدای متعال انجام دهند که تعبیر «ندّ»، یعنی هم‌تا یا مثل، بیان شده است، زیرا اگر بت‌ها را تنها شافع یا مقرب می‌دانستند تعبیر به «ندّ» نمی‌شد. از این‌رو بت‌ها را

همانند خدای متعال دوست داشتند: «يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ».

بنابراین، قرآن کریم تصریح می‌کند که پیامبران، خدای متعال را با صفات ربوبی، از قبیل قدرت کامل، مدیریت کامل، رازقیت، خالقیت، نافع و ضار بودن و... به قوم خود نشان داده‌اند و معتقد بودند عبادت جایز نیست مگر برای کسی که این صفات را به صورت مستقل داشته باشد. از این رو در گفت‌وگو با مشرکان به آن‌ها تذکر می‌دادند که معبودهایتان هیچ یک از صفات ربوبی را ندارند (سبأ: ۲۲).^۷ اما مشرکان معتقد بودند معبودهای آن‌ها شئون ربوبی دارند و لذا آن‌ها را می‌پرستیدند (نابلسی، ۲۰۱۷: ۲۱).

ب. دعوت به ربوبیت تشریحی

«ربوبیت تشریحی» یا همان «توحید در تشریح» یعنی فقط خدای متعال استقلالاً حق قانون‌گذاری و حکمرانی دارد و جز ایشان هیچ کس حق قانون وضع کردن ندارد (موسوی، ۱۳۹۰: ۳۷؛ محمدی ایلامی، ۱۳۹۳: ۱۲۹). بنابراین، توحید در تشریح یعنی اعتقاد به اینکه تنها قانون‌گذار شایسته خدای متعال است و هیچ کس غیر از ایشان، استقلالاً و در عرض تشریح الهی، مجاز به قانون‌گذاری نیست.

دعوت به این نوع از توحید، یکی از دعوت‌های اساسی انبیاست. قرآن کریم می‌فرماید: «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف: ۴۰). بر اساس این آیه، برخی از مشرکان توحید در تشریح و قانون‌گذاری خدای متعال را نپذیرفته و حکم‌گذاری را صرفاً از آن خدا ندانسته‌اند (سبحانی، ۱۴۳۷: ۱۶). مشکل اساسی ابلیس هم چون و چرا کردن در برابر فرمان خدا بود؛ یعنی اعتقاد به ربوبیت تشریحی خدا در لزوم اطاعت بی‌چون و چرا از فرمان خدا نداشت (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۹۴). بنابراین، اگر کسی معتقد شد که مدبر تکوینی جهان هستی یکی است، ولی کسانی هم هستند که مستقلاً حق دارند برای بشر قانون‌گذاری کنند و اطاعت از آن‌ها واجب است، این شرک در ربوبیت تشریحی است (همان: ۶۲). خدای متعال درباره یهود و نصارا می‌فرماید: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُؤَسَاءَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» (توبه: ۳۱). یهود و نصارا معتقد بودند بزرگان کلیسا و کنیسه در قانون‌گذاری و تشریح دارای حق‌اند و می‌توانند احکام الهی را تغییر دهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۶۳؛ نابلسی، ۲۰۱۷: ۷۷).

بر این اساس، دعوت انبیا منحصر در دعوت به توحید الوهی نبوده، بلکه بازداشتن مردم از اینکه در کنار خدای متعال شریکی قرار دهند و شریعت را از او پیروی کنند، از اهداف اساسی انبیا بوده است.

۳.۲. دعوت انبیا به توحید ذاتی

دعوت به توحید ذاتی از دیگر محورهای دعوت انبیا بوده است. مراد از «توحید ذاتی»، توحید خدای متعال در احدیت و واحدیت است (سبحانی، ۱۴۳۷: ۱۵۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۱۴۱)، به این معنا که ذات خدای متعال بسیط است و هیچ‌گونه ترکیبی، اعم از عقلی، نوعی، وهمی، مقداری و... ندارد. همچنین، خدای متعال یگانه است و هیچ‌گونه مثل و نظیری ندارد (جامی، ۱۳۸۵: ۱۶۵). این نوع از توحید پذیرش همگانی نداشته و در عصر انبیا مخالفانی داشته است. بر همین اساس، قرآن کریم یکی از فعالیت‌های انبیا را مخالفت با شرک ذاتی و دعوت امت‌هایشان به این قسم از توحید می‌داند. از جمله آیات دال بر آن، آیات سوره توحید است: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (توحید: ۱-۴). بر اساس این آیات، یکی از محورهای مهم دعوت پیامبر توحید ذاتی است (سبحانی، ۱۴۳۷: ۶). ابن تیمیه هم تصریح کرده است که این آیات در پاسخ به عقیده شرک‌آلود کافران کتابی نازل شده که از چپستی خدا می‌پرسیدند که آیا از جنس طلا یا سنگ است یا دیگر اجناس (ابن تیمیه، ۱۴۲۹: ۱۱۴/۱). همچنین، آیه «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثَةٌ»^۸ (مانده: ۷۳) می‌فهماند که برخی از مشرکانی که در دوران نبوت حضرت عیسی علیه السلام حضور داشته‌اند، مشرک در توحید ذاتی بوده و معتقد بوده‌اند خدای متعال یکی از آن سه است (ملکی میانجی، ۱۳۷۸: ۲۲۹؛ سبحانی، ۱۴۳۷: ۶). علاوه بر این، باور به فرزندداشتن خدای متعال (توبه: ۳۰)^۹ یکسان‌پنداری خدا با بت‌ها (شعراء: ۹۷-۹۸)^{۱۰} و عاجز‌پنداری خدا (یعقوبی، بی‌تا: ۲۵۴)^{۱۱} از باورهای مشرکان است.

بنابراین، توحید خدای متعال در ذات از محورهای مهم دعوت انبیا بوده و این با حصر دعوت انبیا در توحید الوهی سازگاری ندارد.

۳.۳. برداشت نادرست از مفهوم «عبادت»

محمد بن عبدالوهاب در تبیین معنای اصطلاحی «عبادت» آن را بر معنای لغوی اش منطبق کرده و به «نهایت خضوع به همراه حب» تعریف کرده است (ابن عبدالوهاب، بی تا د: ۷). بر همین اساس، هدف اصلی دعوت انبیا را توحید در عبادت به معنای بازداشتن بشر از خضوع در برابر غیر الله و عبادت آن‌ها می‌داند (همو، ۱۴۱۸: ۹؛ همو، ۱۴۱۲: ۴). حال آنکه قرآن کریم «عبادت» را به معنای خضوعی خاص دانسته و آن خضوعی است که برگرفته از اعتقاد به ربوبیت و الوهیت معبود باشد. از این رو خدای متعال بارها عبادت خود را فرع بر ربوبیت دانسته است (مریم: ۳۶؛ انعام: ۱۰۲؛ آل عمران: ۵۱).

علمای جهان اسلام هم با تاسی از قرآن، عبادت را در قالب تعریفی مرکب تبیین کرده‌اند. طبری^{۱۲} و قرطبی^{۱۳} در تفسیر آیه «إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ» (حمد: ۵) می‌نویسند: «خضوع و تذلل و مسکنت ما در برابر خدا به علت اقرار به ربوبیت اوست» (طبری، ۱۴۲۰: ۱۵۷/۱؛ قرطبی، ۱۴۲۳: ۱۴۵/۱؛ عونی، ۲۰۲۲: ۹۹). همچنین، طبری هدف از عبادت را جلب منفعت یا دفع ضرر به واسطه پرستش معبود می‌داند^{۱۴} (طبری، ۱۴۲۰: ۳۱۹/۱۳). سید ابوالقاسم خویی معتقد است عبادت در صورتی محقق می‌شود که با اعتقاد به ربوبیت معبود رخ دهد (موسوی خونی، ۱۹۷۴: ۴۹۵/۱). محمدحسین طباطبایی هم در تعریف «عبادت» می‌گوید: «عبادت، تنها خضوع نیست؛ بلکه حقیقت عبادت این است که بنده خود را در مقام مملوکیت پروردگار ببیند» (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۲۹/۱). همچنین، جعفر سبحانی «عبادت» را خضوع عملی یا قولی می‌داند که از اعتقاد به الوهیت سرچشمه می‌گیرد (سبحانی، ۱۳۷۸: ۱۹۹). بنابراین، توحید در عبادت لازمه توحید ذات و صفات است؛ زیرا عبادت خدای متعال زمانی محقق می‌شود که ربوبیت و الوهیت خدای متعال قصد شود. از این رو خدای متعال خطاب به مشرکانی که غیر خدای متعال را می‌خواندند می‌فرماید: «قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ رَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ» (سبأ: ۳۴). مشرکان در توحید ربوبی و الوهی مشکل داشتند و این سبب شده است در مقام عبادت غیر خدای متعال را بپرستند (نابلسی، ۲۰۱۷: ۲۱)، زیرا وقتی مسلم شد که واجب الوجود و غنی محض یکی است و غیر او نیازمند و محتاج‌اند فقط یک راه برای عبادت دارد و آن عبادت خدای متعال است

(علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۳: ۲۰۲/۲؛ حبیبی، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

۴.۳. یکسان‌پنداری توحید الوهی با توحید عبادی

باور به ترادف معنایی «توحید الوهی» و «توحید عبادی» از دیگر برداشت‌های نادرست محمد بن عبدالوهاب است. او در مقام تبیین توحید، آن را به توحید الوهی، توحید ربوبی و توحید اسماء و صفات تقسیم کرده و در بیان توحید الوهی آن را به «إخلاص العبادة لله وحده من جميع الخلق» تعریف کرده است. بر همین اساس، واژه‌های «توحید الالوهیة» و «توحید العبادة» را به جای یکدیگر استفاده می‌کند (ابن‌عبدالوهاب، ۱۴۲۷: ۱۳؛ همو، ۱۴۱۲: ۳). اما میان این دو قسم از توحید، تفاوت حقیقی و ماهوی وجود دارد، زیرا توحید در الوهیت ناظر به عقیده و اندیشه انسان است و اصطلاحاً «توحید نظری» است، ولی توحید در عبادت، توحید عملی است و مربوط به انسان و ناظر به افعال و اعمال ایشان است و بدین معناست که انسان در مقام عبادت کسی جز خدای متعال را نپرستد. هرچند بین این دو ملازمه وجود دارد و لازمه اعتقاد به الوهیت و نفی شایستگی عبادت از غیر خدا همین است که انسان فقط خدا را عبادت کند (رعیتی، ۱۳۸۶: ۷۸). بنابراین، آیاتی که انبیای الهی مردم را به «اله واحد» (مانده: ۷۳) دعوت کرده‌اند ناظر به عقیده آن‌هاست و مشرکان در مقام باور، به خدایان گوناگون باور داشته‌اند.

نتیجه

«توحید» عصاره دعوت تمام پیامبران الهی بوده و قرآن کریم در آیات گوناگون آن را انگیزه و هدف ارسال پیامبران دانسته است. یکی از محورهای توحید که در آیات بیشتر به آن توجه شده، «توحید در عبادت» است. محمد بن عبدالوهاب با برداشتی ناقص و نادرست و نگاه گزینشی به آیات، دعوت انبیا را صرفاً در دعوت به توحید عبادت منحصر کرده و امت انبیا را گرفتار شرک در عبادت می‌داند؛ بر همین اساس مشرکان عصر انبیا را موحد در «توحید ربوبی» و «توحید اسماء و صفات» تلقی می‌کند (ابن‌عبدالوهاب، ۱۴۱۲: ۳۷). حال آنکه با مراجعه به آیات قرآن کریم و سخنان عالمان اسلامی درمی‌یابیم که مشرکان عصر انبیا گرفتار شرک ذاتی، ربوبی، الوهی و... بوده‌اند و در دعوت انبیا، علاوه بر توحید عبادی، موضوع‌های مهم‌تری همچون توحید ذاتی،

توحید ربوبی، توحید الوهی، برپایی عدالت جهانی و... محل توجه انبیا بوده و امتشان را به آن دعوت کرده‌اند. بنابراین، باور به اینکه پیامبران الهی فقط برای از بین بردن شرک در عبادت فرستاده شده‌اند مخالف آیات قرآن است.



پی نوشت‌ها

۱. «الإله هو الذى يقدر على ما يشاء ولا يقدر عليه شىء، فأما من كان مقدورا عليه فغير جائز أن يكون إلهاً» (طبرى، ۱۴۲۰: ۵۳۷/۱۸).
۲. «الإله هو الموصوف بصفات لأجلها يستحق أن يكون معبودا للخلق» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲۰).
۳. «الإله هو الذى يستحق له العبادة، و يلقى به، و ينبغى له، لانه قادر على فعل ما يستحقها به لأجل ذلك» (علم الهدى، ۱۴۰۵: ۲۶۳/۲).
۴. «۳. توحيد الصفات: فلا يستقيم توحيد الربوبية ولا توحيد الألوهية إلا بالإقرار بالصفات لكن الكفار أعقل ممن أنكر الصفات» (ابن عبد الوهاب، ۱۴۱۸: ۸). ابن عبد الوهاب تصریح کرده که مشرکان توحيد اسماء و صفات داشته‌اند. امروزه وهابیان معاصرى همچون ابن باز نیز این باور را دارند: «أقسام التوحيد ثلاثة، بالاستقراء والنظر والتأمل فى الآيات والأحاديث و ما كان عليه أهل الشرك اتضح أنها ثلاثة أقسام، اثنان أقر بهما المشركون، والثالث جحدده المشركون و قام النزاع بينهم و بين الرسل فى ذلك» (ابن باز، ۱۴۲۰: ۶۶/۹).
۵. «و انما العابد يعبد ما يعبد لاجتلاب نفع منه او دفع ضرر منه عن نفسه» (طبرى، ۱۴۲۰: ۳۱۹/۱۳).
۶. «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّىَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ» (بقره: ۲۵۸).
۷. «قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ» (سبأ: ۲۲).
۸. منظور از «سومی سه تا» این است که خدا یکی از سه نفر است و هر سه در عرض هم هستند و چنین نیست که یکی خالق و دو تای دیگر مخلوق باشند. بدیهی است که وصف خدای متعال به اعداد، شرک و الحاد است.
۹. «و قَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيزُ ابْنِ اللَّهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ بَصَاهُتُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ» (توبه: ۳۰).
۱۰. «تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ * إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۹۷-۹۸).
۱۱. وقتی عمرو بن لحي از مکه به سمت شام رفت در سرزمین بلقاء با گروهی از مردم مواجه شد که به «عمالقه» معروف بودند. آن‌ها بت پرست بودند و چون عمر بن لحي علت بت پرستی شان را پرسید گفتند هر زمان از این‌ها طلب باران می‌کنیم برایمان باران می‌فرستند و هر گاه از آن‌ها کمک بخواهیم یاریمان می‌کنند. به همین دلیل عمر بن لحي از آن‌ها خواست بتی را به وی بدهند تا به سرزمین اعراب برود و بپرستد. آن‌ها هم بت هبل را به او دادند (یعقوبی، بی تا: ۲۵۴).
۱۲. «و تأویل قوله (ایاک نعبد): لك اللهم نخشع و نذل و نستكين، إقرارا لك يا ربنا بالربوبية لا لغيرك» (طبرى، ۱۴۲۰: ۱/۱۵۷).
۱۳. «(نعبد) معناه تطيع والعبادة الطاعة والتذلل. و طريق معبد إذا كان مذللا للسالكين قال الهروى. و نطق المكلف به إقرار بالربوبية و تحقيق لعبادة الله تعالى» (قرطبي، ۱۴۲۳: ۱۴۵/۱).
۱۴. «و انما العابد يعبد ما يعبد لاجتلاب نفع منه او دفع ضرر منه عن نفسه» (طبرى، ۱۴۲۰: ۳۱۹/۱۳).

منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن باز، عبد العزيز (١٤٢٠). مجموع الفتاوى، رياض: دار القاسم.
٣. ابن تيمية، احمد بن عبد الحلیم (١٤٢٩). جواب الاعتراضات المصرية، مكة: دار عالم الفؤاد.
٤. ابن حنبل شيباني، احمد (١٤٢١). مسند أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد والآخرين، بيروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.
٥. ابن عبد الوهاب، محمد (١٤١٢). الجواهر المضية، رياض: دار العاصمة.
٦. ابن عبد الوهاب، محمد (١٤١٨). كشف الشبهات، رياض: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد.
٧. ابن عبد الوهاب، محمد (١٤٢٧). خمسون سؤالاً و جواباً فى العقيدة، موقع مشكاة الإسلامية.
٨. ابن عبد الوهاب، محمد (بى تا الف). الرسالة المفيدة، محقق: محمد بن عبد العزيز المانع، رياض: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد.
٩. ابن عبد الوهاب، محمد (بى تا ب). ثلاثة الاصول، محقق: ناصر بن عبد الله الطريم وغيره، رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود.
١٠. ابن عبد الوهاب، محمد (بى تا ج). أصول الدين الإسلامى مع قواعده الأربع، مكة المكرمة: دار الحديث الخيرية، بى تا.
١١. ابن عبد الوهاب، محمد (بى تا د). الرسائل الشخصية، تحقيق: صالح الفوزان و محمد بن صالح العقيلى، رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود.
١٢. ابن عبد الوهاب، محمد (بى تا ه). موسوعة مؤلفات الإمام محمد بن عبد الوهاب، بى جا، مكتبة الشاملة ميدي.
١٣. ابن عثيمين، محمد (١٤١٦). شرح كشف الشبهات و يليه شرح الأصول الستة، إعداد: فهد بن ناصر بن إبراهيم السلیمان، رياض: دار الثريا للنشر والتوزيع.
١٤. ابن فارس، احمد (١٤٠٤). معجم مقاييس اللغة، تحقيق و تصحيح: عبد السلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامى.
١٥. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤٢٠). تفسير القرآن العظيم، تحقيق: سامى بن محمد سلامه، بيروت: دار احياء التراث العربى.
١٦. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤٠٨). لسان العرب، بيروت: دار احياء التراث العربى.
١٧. اردبيلى، سيد عبدالغنى (١٣٩٢). تقريرات فلسفة امام خمينى، تهران: تنظيم و نشر آثار امام خمينى.

۱۸. ازهری، محمد بن احمد (۲۰۰۱). تهذیب اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الاولى.
۱۹. بغوی، ابو محمد (۱۴۲۰). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۰. جامی، عبد الرحمن (۱۳۸۵). الدررة الفاخرة فی تحقیق مذهب الصوفیة والمتکلمین والحکماء المتقدمین، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۲. حبیبی، خادم حسین (۱۳۹۰). نقد و بررسی اندیشه وهابیت در مسئله توحید و لوازم آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۳. حلّی، یوسف بن مطهر (بی تا). شرح الباب الحادی عشر، بی جا: بی نا.
۲۴. خمینی، سید روح الله (۱۳۶۳). کشف الاسرار، بی جا: بی نا.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دار القلم.
۲۶. رعیتی، محمدرضا (۱۳۸۶). توحید عبادی از منظر امامیه و سلفیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احمد عابدی، استاد مشاور: علی الله بداشتی، قم: دانشگاه قم.
۲۷. زبیدی، محمد (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس، بی جا: دار الهدایة.
۲۸. الزیر، ولید بن صلاح الدین (۱۴۴۴). لئن سالتهم، کویت: دار المنهل.
۲۹. سبحانی، جعفر (۱۳۷۸). آیین وهابیت، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نهم.
۳۰. سبحانی، جعفر (۱۴۳۷). التوحید والشک فی القرآن الکریم، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۳۱. سقاف، حسن بن علی (۱۴۱۳). التندیذ بمن عدد التوحید، عمان: دار الامام النوروی، الطبعة الثانية.
۳۲. سقاف، حسن بن علی (۱۴۲۸). صحیح شرح العقیدة الطحاویة، بیروت: دار الامام الرواس.
۳۳. شوکانی، محمد (۱۴۱۴). فتح القدیر، دمشق: دار ابن کثیر.
۳۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۷). تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۶). نهاية الحکمة، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰). جامع البیان فی تأویل القرآن، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۳۷. عابدی، احمد (۱۳۹۱). توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت: بررسی و نقد افتراات دکتر ققاری بر مذهب شیعه، تهران: مشعر.
۳۸. علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۰۵). رسائل الشریف المرتضی، الحدود والحقائق، مقدمه: احمد حسینی اشکوری، گردآورنده: مهدی رجایی، قم: دار القرآن الکریم.
۳۹. علی زاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۳). سلفی گری و وهابیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی

- حوزه علمیة قم.
۴۰. عونى، حاتم بن عارف (۲۰۲۲). مفهوم شرك العبادة، قاهره و بيروت: بى نا، الطبعة الاولى.
۴۱. فخر الدين رازى، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربى، الطبعة الثالثة.
۴۲. فراهيدى، خليل بن احمد (بى تا). كتاب العين، تحقيق: مهدي مخزومى و ابراهيم سامرايى، قم: دار الهجرة.
۴۳. فوده، سعيد عبد اللطيف (۱۴۳۵). الشرح الكبير على العقيدة الطحاوية، بيروت: دار الذخاير.
۴۴. فيض كاشانى، محسن (۱۴۱۹). تفسير صافى، تهران: دار الكتب العلمية.
۴۵. قراملكى، محمدحسن (۱۳۷۹). حكومت دينى از منظر استاد شهيد مطهرى، تهران: مؤسسه دانش و انديشه معاصر.
۴۶. قرطبى، محمد (۱۴۲۳). الجامع لأحكام القرآن، رياض: دار عالم الكتب.
۴۷. مالك بن انس (۱۴۲۵). الموطأ، تحقيق: محمد مصطفى الأعظمى، أبو ظبى: مؤسسة زائد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية والإنسانية، الطبعة الاولى.
۴۸. محمدى ايلامى، رحيم (۱۳۹۳). توحيد و شرك و صفات جمال و جلال الهى، تهران: كتاب آوا.
۴۹. مصباح يزدى، محمدتقى (۱۳۸۹). خداشناسى، تحقيق: اميررضا اشرفى، قم: مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى.
۵۰. مصباح يزدى، محمدتقى (۱۳۹۱). خداشناسى، كيهان شناسى، انسان شناسى، قم: مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى.
۵۱. مصباح يزدى، محمدتقى (۱۳۹۶). آموزش فلسفه، تهران: چاپ و نشر بين الملل.
۵۲. مطهرى، مرتضى (۱۳۸۰). نبوت، تهران: صدرا.
۵۳. ملكى ميانجى، محمدباقر (۱۳۷۸). ترجمه توحيد الامامية، ترجمه: محمد بيابانى اسكويى، سيد بهلول سجادى، تهران: مؤسسه نبأ.
۵۴. موسوى خوئى، سيد ابوالقاسم (۱۹۷۴). البيان، قم: المطبعة العلمية.
۵۵. موسوى، عباس (۱۳۹۰). اثبات توحيد ربوبى در قرآن، قم: مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى.
۵۶. نابلسى، عثمان مصطفى (۲۰۱۷). الرؤية الوهابية للتوحيد و اقسامه، عمان: دار النور المبين، الطبعة الاولى.
۵۷. يعقوبى، احمد بن اسحاق (بى تا). تاريخ يعقوبى، بى جا: بى نا.